

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتاسونوف (Valentin Katasonov)*

برگردان از: ا. م. شیرینی

۱۳ فبروری ۲۰۱۳

جهان مالی موازی (۱)

وام دهندگان جهانی از مدتها پیش خود را خدایان تصور می کنند و خالق آنها مصمم اند دنیای پولی- مالی خود را از هیچ بیافرینند و «از باد» پول بسازند. بدین ترتیب در کنار جهان پیدای مالی، جهان مالی ناپیدا، موازی پدید آمد.

جهان مرئی مالی، از مجموعه بانکهای تجاری، صندوقها، شرکتهای سرمایه گذاری، بانکهای مرکزی، وزارتخانه های دارائی؛ بازارهای مالی (سهم، ارز، پولی- اعتباری، بیمه)، ابزارهای مالی (اوراق قرضه، سهام، مشتقات و انواع دیگر کاغذهای بهادار) و نظائر آنها تشکیل یافته است. جهان پیدای مالی در حسابرسی های مختلف و آمارهای مالی تظاهر می یابد، در میدان دید تنظیم کنندگان مالی، مجالس قانونگذاری، دیوان محاسباتی، رسانه های جمعی، جامعه متخصصان و غیره قرار دارد. عملکرد جهان مرئی مالی به واسطه قوانین اساسی، قانونها و توافقات بین المللی تنظیم می شود.

در باره وجود جهان نامرئی مالی، اکثریت قریب به اتفاق مردم به طور کلی هیچ تصویری ندارند. این بخش، قبل از همه، بخش سایه ای نظام مالی بین المللی، آن دسته از مؤسسات مالی و عملیات مالی را شامل می شود، که تحت پوشش پیرامونی ها قرار دارند و از چشم تنظیم کنندگان (بانکهای مرکزی، وزارتخانه های دارائی، کمیته های اوراق بهادار و سایر) پنهان می مانند. در مورد ابعاد بخش نامرئی مالی فقط می توان حدس زد، برای این که ساکنان این دنیای تاریک در مقابل تنظیم کنندگان پاسخگو نیستند و گزارشهای آماری نیز به ارگانهای ذی نفع دولتی تقدیم نمی کنند. ساکنان این دنیا را گروههای جنایتکاران سازمانیافته مرتبط با قاچاق مواد مخدر، تاجر اسلحه، تاجران برده و غیره تشکیل می دهند. این دنیای حتی نه «خاکستری»، بلکه، «سیاه» اقتصاد، همه موازین حقوقی جزائی را نقض می کند. گردش مالی آن، بر اساس برآورد کارشناسان، سالانه به چندین تریلیون دلار می رسد... علاوه بر آن، یکسری مؤسسات مختلف، که به فعالیت مخفی روی نمی آورند، به بخش سایه ای وارد می شوند. بسیاری از آنها، علناً، انواع خدمات خود را به

اشخاص حقیقی و حقوقی پیشنهاد می کنند. مثلاً، صندوقهای تأمین به انواع دادوستدها، یا بانکهای معتبر (با قرار دادن سپرده های مشتریان در حوزه های پیرامونی)، به بانکداری خصوصی مشغول می شوند. چنین مؤسساتی، خود و خدمات مشکوک خود را همواره در رسانه جمعی تبلیغ می کنند. آنها به راحتی از حوزه قوانین و نظارت مالی خارج می شوند و نه تنها از قوانین مدنی عمومی و موازین حقوق بین المللی پیروی نمی نمایند، بلکه، از خط مشی خاص خود تبعیت می کنند. عمق بسیار و ابعاد گسترده آخرین بحران مالی که عملاً تمام جهان را در هم نوردید، به دلیل رشد نجومی بخش نامرئی مالی، تداوم قابل ملاحظه ای یافت. به عقیده بسیاری از کارشناسان، این فقط «موج» اول بحران بوده و هنوز پایان نیافته است.

جهان نامرئی یا موازی مالی، فقط به «بخش سایه» محدود نمی شود. برخی بخشهای آن را می توان مخفی نامید. دنیای مخفی مالی بسیار متنوع است و تمامیت آن بر کسی معلوم نیست. این دنیا، مجموعه ای از مناسبات و توافق نامه های مختلف مالی را که در خفا و به دور از چشم مردم، مجالس قانونگذاری، نهادهای رسمی مالی و سازمانهای بین المللی تنظیم می شود، در خود جمع کرده است. موافقت نامه های سری بین دولتها، بارزترین نمونه آن می باشد. برخی از آنها (من جمله، موافقت نامه مالی بین ایالات متحده امریکا، انگلستان با المان پس از به قدرت رسیدن هیتلر) و نمونه های بسیاری از توافقات سری بیشمار بین مؤسسات خصوصی امروزه افشاء شده اند. به عنوان مثال، بانکها به طور سنتی و خلاف قوانین ضد انحصاری، موافقت نامه های کارتلی انعقاد کردند و به امضای چنین موافقت نامه هائی ادامه می دهند. در این باره، یادآوری بروز سروصدا در نتیجه توطئه پنهانی بین بانکهای بزرگ در سال ۲۰۱۲، که نرخ بهره بین بانکی لندن (LIBOR) را دستکاری کردند، کفایت می کند.

در معاملات سری مشخص و توافق نامه ها معمولاً خواص شرکت می کنند و شاهدان غیرضروری یا تصادفی «خواص»، بیدرنگ حذف می شوند. این دنیای مخفی مالی از خیلی وقتها پیش شکل گرفته و نه تنها بر روی اقتصاد جهانی و مالی بین المللی، حتی بر روی سیاستهای بسیاری از کشورها و مناسبات بین المللی تأثیر بسیار قوی گذاشته و به این تأثیرگذاری همچنان ادامه می دهد.

امروز در اینترنت مدارک زیاد مربوط به اسرار مالی وجود دارد. بحث مرکزی آنها را دو موضوع به هم مرتبط تشکیل می دهد.

موضوع اول: طلای «سیاه». منظور از آن، فلز زردی است که در گاوصندوقها و زیرزمینهای یکسری بانکهای مرکزی، بانکهای خصوصی جهانی و دیگر مؤسسات مالی نگهداری می شود. احتمال می رود که مقدار این فلز چندین برابر بیشتر از میزان طلای اندوخته در همه کشورهای جهان باشد؛ طبیعی است، که این طلای «سیاه»، اندوخته خیلی محرمانه محسوب می شود و به هیچوجه در ترانزنامه ها یا آمارها نشان داده نمی شود.

موضوع دوم: عبارت از بسته های اوراق قرضه مرموز خزانه داری امریکا و نظام ذخیره فدرال می باشد که به سالهای بین دو جنگ جهانی مربوط می شود. رقم نجومی آن اعجاز انگیز است: بهای اسمی اوراق قرضه به صدها میلیون دلار، و مبلغ کل بسته های اوراق قرضه اعلام شده، به تریلیونها دلار سر می زند.

هر دو موضوع بسیار مغشوش است. قدرتهای پولی، من جمله، نظام ذخیره فدرال و خزانه داری امریکا در مورد حوادث مرتبط با اوراق قرضه و طلای دنیای نامرئی مالی، تقریباً به طور کامل سکوت می کنند. در هر حال، این هم مختصری از گاه شمار پیدایش اوراق بهادار مخفی با صفرهای فراوان.

ده سال پیش، من برای اولین بار با این موضوع که در روزنامه انگلیسی ایندی پندنت مؤرخ ۲۸ اکتوبر سال ۲۰۰۳ چاپ شده بود، آشنا شدم. نوشته این روزنامه از تلاش گراهام هالکسورت، کارشناس حقوقی انگلیس، که در سال ۲۰۱۱ سعی کرد همراه با مایکل سلاماج، (تبعه یوگسلاوی سابق) مقیم کانادا، چند اوراق قرضه نمونه سال ۱۹۳۴ خزانه داری امریکا را به بانک بازرگانی امپریال کانادا در تورنتو «قالب کند»، اطلاعاتی در بر داشت. هر دو بازداشت شدند، تحقیقات نشان داد، که آنها بسته های اوراق قرضه به ارزش ۲ و نیم تریلیون دلار در دست داشتند. مقامات امریکائی این اوراق را جعلی اعلام کردند. پرونده به دادگاه لندن ارجاع شد و در جلسه دادگاه، متهمان منبع اولیه به اصطلاح نسخه های اوراق قرضه را مورگنتا (Morgenthau) اعلام کردند. این دو متهم، آنها را وابسته به طلای (سیاه) دانستند که مقامات پولی امریکا از چپان کای شک در چین خریده اند. این موضوع در رسانه های جمعی جهان بازتاب گسترده ای نیافت^(۱).

بار دوم در تاریخ ۳ جون سال ۲۰۰۹ در ایتالیا، در ایستگاه کوچک راه آهن چپاسو واقع در نزدیکی مرز سویس اتفاق افتاد. پولیس ایتالیا دو تبعه جاپان را که برای انتقال غیرقانونی اوراق قرضه امریکائی به ارزش ۱۳۴ میلیارد دالر به سویس سعی می کردند، بازداشت کرد. به گزارش پولیس، این دو نفر اوراق قرضه را در چمدان جاسازی کرده بودند، که در جریان بازرسی کشف شد. این دو فرد مظنون مجموعاً ۲۵۹ قطعه اوراق بهادار همراه داشتند. ارزش اسمی ده قطعه آنها، هر کدام ۱ (یک) میلیارد دالر و ۱۴۹ قطعه بقیه، هر یک ۵۰۰ میلیون دلار بود. این حادثه که مسائل عجیب و مرموز بسیاری را در بطن خود داشت، خلاف مورد اول، بازتاب گسترده ای یافت. مثلاً، ابتداء (ایتالیا) این اوراق قرضه را واقعی شناخت، ولی سپس (با استناد به منابع امریکائی) آنها را جعلی اعلام کردند. دو متهم جاپانی هم به طور کلی ناپدید شدند.

حادثه سوم، دقیقاً دو ماه پس از دستگیری جاپانی ها در چپاسو، در اسپانیا روی داد. پوشش رسانه ای این حادثه، خلاف حادثه قبلی، بسیار محدود بود. گزارشها از سرقت و مصادره اوراق بهادار به ارزش یک تریلیون و ۶۴۰ میلیارد دالر (۱۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) توسط مقامات اسپانیا خبر می داد. رسانه های اسپانیا آنها را «اسناد قرضه بانک ذخیره فدرال» اعلام کردند.

چهارمین، بزرگترین و پر سروصداترین حادثه یک سال پیش اتفاق افتاد. در این باره، قبل از همه، خبرگزاری آسوشیندپرس در ۱۷ فبروری سال ۲۰۱۲ در گزارشی دایر بر سرقت اوراق بهادار به ارزش ۶ تریلیون دالر از یکی از بانکهای سویس (زوریخ) خبر داد، ولی نام بانک اعلام نشد. جالب است که به عملیات کشف اوراق بهادار در خاک سویس، پلیس ایتالیا مشغول شد. به زودی جزئیات چندی روشن شد. رسانه های جمعی خبر دادند، که این اوراق در سال ۱۹۳۴ منتشر شده و در سال ۲۰۰۷ از هنگ کنگ به سویس آورده شده اند. لازم به ذکر است، که رسانه ها این اوراق را به نامهای مختلفی مانند «اوراق قرضه امریکا»، «اوراق قرضه خزانه داری امریکا»، «اوراق قرضه بانک فدرال رزرو»، «بلیط های خزانه داری» نامیدند. در سوی دیگر، تناقضات بزرگی مشاهده شد. مثلاً، منابع مختلف ارزش اسمی اوراق را از

۱ میلیارد تا ۱۰۰ میلیون دلار ذکر کردند. مقامات امریکائی با قاطعیت اعلام کردند، که بسیاری از مکشوفات در زوریخ، اوراق جعلی هستند.

اتفاقات فوق الذکر به اضافه اطلاعات مربوط به تاریخچهٔ پیدایش طلای «سیاه» و میزان اندوختهٔ تا کنونی آن و همچنین، اطلاعات هشدار دهنده در بارهٔ علاقه مندی ویژهٔ سازمانهای امنیتی امریکا به اوراق «تقلبی» تکمیل می شوند. سازمانهای امنیتی امریکا (پیش از همه، سازمان سیا) عملیات تعقیب دارندگان اوراق قرضه قبل از جنگ و ضبط اوراق آنها را سازمان دادند. در رابطه با این مسأله، کارول آدلر، مدیر انتشارات «داندلیون بوکس» (Dandellion Books)، در حدود ده سال قبل (۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۳) یک مطلب مطبوعاتی راجع به تماس خود با یک مأمور سازمان سیا در سایت «rense.com» درج نمود، که او، «اقتصاد غیبی» و عملیات جست و جو و ضبط اوراق بهادار را توضیح می داد^(۱).

سعی می کنیم این سیل قدرتمند و گل آلود اطلاعات را بررسی نموده و ارزیابی خود را از این مسأله اعلام کنیم، که واقعا چقدر می توان به اظهارات رسمی مقامات امریکا مبنی بر این که اوراق با صفرهای زیاد تقلبی هستند، باور کرد.

ادامه دارد...

زیر نویسها

(۱) - این اوراق به نام هنری مورگنتای کوچک نامیده می شدند. او در فاصلهٔ سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵، یعنی در دورهٔ ریاست جمهوری فرانکلین روزولت، وزیر مالیه امریکا بود.

(۲) - انتشارات مورد اشاره، مقدمات چاپ کتابی را تدارک می دید که در آن، مأمور مورد نظر قصد داشت، جزئیات فعالیتهای سازمانهای امنیتی امریکا در رابطه با شناسائی باند اوراق «مخفی» را به خوانندگان توضیح دهد. اما او به طور ناگهانی مُرد و دستویس کتاب وی به شکل مروزی ناپدید شد.

* پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگئی فیودورویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/02/10/parallelnyj-finansovyj-mir-i-19070.html>

۲۵ بهمن - دلو ۱۳۹۱